سخنگوی حزب «کوکلوکس کلان» آمریکا در گفت‌وگو با «شرق»:

# پیروزی دونالد ترامپ نیز محتمل است

نوژن اعتضادالسلطنه

**باورمند به برتری نژاد سفید، ملی‌گرا، بومی‌گرا، ضدمهاجران، ضدکمونیسم، ضدکاتولیسیسم، ضدیهودیان و متمایل به نازی‌ها؛ اینها ویژگی‌های گروهی هستند که این روزها در رسانه‌های بین‌المللی سخن بیشتری از آنها به میان می‌آید؛ «کوکلوکس‌کلان». شاید بخش عمده‌ای از توجه به اعضای این گروه پس از دهه‌ها درحاشیه‌بودن، اظهارات اخیر «دونالد ترامپ»، کاندیدای جمهوری‌خواهان در انتخابات ریاست‌جمهوری علیه مهاجران به‌خصوص لاتین‌تبارها و مسلمانان و اعلام حمایت «دیوید دوک»، از رهبران ارشد آن گروه، از او بوده باشد. «راشل پندرگرافت»، سخنگوی حزب پروتستان کوکلوکس‌کلان، در گفت‌وگو با «شرق» از نگرانی‌های نژادپرستان سفیدپوست آمریکا درباره احساس خطر درباره زوال ارزش‌های مسیحی غربی، نظرش درباره یهودیان و اسرائیل و نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری تا نظرش پیرامون غیرسفیدپوستان گفت.**

**«توماس راب»، پدر شما و رئیس ملی سازمان کوکلوکس‌کلان، پیش‌تر هولوکاست را یک افسانه خوانده بود. دکتر دیوید دوک، یکی دیگر از رهبران بلندپایه کوکلوکس‌کلان‌ها، نیز نظر مشابهی را دارد و در کنفرانس برگزارشده در این‌باره در تهران شرکت کرده بود و از «محمود احمدی‌نژاد»، رئیس‌جمهوری وقت ایران، به دلیل مواضعش تقدیر به عمل آورد. نظر شما در این‌باره چیست؟**

درباره هولوکاست، من هیچ شواهد معتبری را در حمایت از آن ندیده‌ام. بااین‌حال، چندین مقاله از چهره‌های مختلف دانشگاهی و کارشناسان را در این‌باره خوانده‌ام که هنوز هم موضوعی محل اختلاف و منازعه است. در هر صورت، این موضوع در مقایسه با نسل‌زدایی سفیدپوستان و آزار و اذیت و جابه‌جایی گروه‌هایی از آنان چیزی نیست. ما از نسل‌زدایی هیچ گروه یا ملتی دفاع نمی‌کنیم و باور داریم که همه مردم حق تعیین سرنوشت دارند و آرزو می‌کنیم همان‌قدری که ما نگران مردم خود هستیم، هر ملتی نیز برای وضعیت خود نگرانی مشابهی را داشته باشد.

**نظر شما درباره احمدی‌نژاد و نظراتش درباره صهیونیسم و هولوکاست چیست، آیا با او موافق هستید؟**

من چندان درباره نظرات او نمی‌دانم. به نظر من هولوکاست به‌عنوان ابزاری برای حمایت از صهیونیسم به کار برده می‌شود و باور دارم که لابی آیپک برای افزایش نفوذ خود در سیاست آمریکا از آن بهره می‌برد. باوجوداین، قصد انکار آن را ندارم. هر کسی حق دارد تا سیاست‌های خود را ارائه دهد و فضایی برای بیان داشته باشد البته مادامی که نخواهد این موضوع را به سایرین تحمیل کند. خصومت تلخی میان اسرائیل و دیگر کشورهای خاورمیانه وجود دارد. نظر من این است که ما نباید در این موضوع ورود کنیم. من با تمام کمک‌های خارجی آمریکا مخالف هستم، چراکه این کمک‌ها معمولا به جایی که هدف هستند نمی‌رسند، همچنین، ما باید نخست دغدغه‌مان توجه به مردم خود و مراقبت از شهروندانمان باشد. اگر مردم نگران بهداشت عمومی و نیازمندی‌های معیشتی خود هستند ما باید کمک‌های مالی خارجی خود را قطع کرده و آن را به مردم خود بدهیم. دولت ما باید اولویت را به مردم خویش اختصاص دهد و از خارج‌کردن پول از کشور خودداری کند.

**نظرتان درباره انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا چیست؟ چه کسی پیروز این میدان است؟**

پاسخ به این پرسش دشوار است. دونالد ترامپ در میان مردم با هر پیشینه اقتصادی‌ای محبوبیت بالایی دارد. درمقابل «هیلاری کلینتون»، رقیب دموکرات او، هم پشتیبانی زیادی را کسب کرده است. او به‌عنوان یک سیاست‌مدار خیلی خوب بازی می‌کند و توانسته حمایت بسیار زیادی را در میان غیرمسیحیان و رنگین‌پوستان و صاحبان مشاغل بزرگ کسب کند. پیش‌بینی‌ای درباره نتیجه انتخابات ندارم. ما در برهه‌ای مهم در ایالات متحده قرار داریم که ترکیب جمعیتی به‌سرعت در حال تغییر است. ممکن است ترامپ در این انتخابات پیروز شود؛ هنوز هم بلوک بزرگی از رأی‌دهندگان سفیدپوست و برخی از گروه‌های رنگین‌پوست وجود دارند که به او برای ایجاد یک دولت کوچک‌تر رأی خواهند داد. بااین‌حال، اگر او پیروز شود من تردید دارم که بتواند برای دور دوم نیز بار دیگر انتخاب شود.

**در دو دور قبلی انتخابات اکثریت رأی‌دهندگان آمریکایی به «باراک اوباما» به‌عنوان نامزدی سیاه‌پوست اعتماد کردند و به او رأی دادند. آیا این شکستی برای کوکلوکس‌کلان‌ها نبود؟**

تعداد زیادی از جمعیت غیرسفیدپوست و همچنین سفیدپوستان لیبرال به اوباما رأی دادند. بسیاری از سفیدپوستان دیگر نیز به او به‌این‌خاطر رأی دادند که وعده خروج نیروهای آمریکایی از عراق را داده بود. امروز محبوبیت او به شکل چشمگیری کاهش یافته است. مشکلات نژادی امروز بدتر شده است. بسیاری از مردم از نژادهای مختلف با فرهنگ‌های مختلف به طور مصنوعی در این کشور آمیخته شده‌اند. این موضوع نه‌تنها سبب اتحاد در جامعه نشده که خود باعث ایجاد اختلالات فراوان شده است.

**نظر شما درباره اظهارات ترامپ پیرامون ممنوعیت مهاجرت خارجی‌ها به‌خصوص مسلمانان به آمریکا چیست؟ برخی تحلیلگران می‌گویند شعارهای او مشابه آن چیزی است که کوکلوکس‌کلان‌ها می‌گویند؟**

با نظر او درباره لزوم توقف ورود مهاجران خارجی به آمریکا موافق هستم. کسری بودجه ملی ما تریلیون‌دلاری است و افزایش تعداد مهاجران به رقابت میان گروه‌های مختلف نژادی و بی‌ثباتی بازار کار و اقتصاد می‌انجامد. آمریکا بیش از پیش اقتصادش در حال حرکت به‌سوی بخش خدماتی است و هزینه‌های زندگی افزایش می‌یابد. بافت اجتماعی اروپا که در کمتر از ۴۰ سال پیش اروپامحور و مسیحی بود، در حال فروپاشی است. افزایش تعداد مهاجران به بهبود وضعیت کمکی نخواهد کرد.

تا آنجایی که به پیشینه دیدگاه او در قبال مسلمانان بازمی‌گردد، او با مسلمانان میانه‌رو کار کرده است. من گمان نمی‌کنم هیچ‌گونه نفرتی از مردمانی با عقاید و پیشینه‌های مختلف در کار باشد. بااین‌حال، عناصری از خشونت مذهبی از سوی کسانی وجود دارد که می‌خواهند اسلام و ارزش‌هایشان را بر سرزمین‌های غربی مسلط کنند. فکر می‌کنم تصمیم او در این برهه، برای ممنوعیت ورود مسلمانان به آمریکا اقدام درستی است. من با او در این زمینه اشتراک نظر کامل دارم.

**کوکلوکس کلان‌ها باور دارند که یهودیان کنترل تمام بانک‌ها و نظام سیاسی آمریکا را در اختیار دارند، بااین‌حال ما می‌توانیم نشانه‌هایی از اختلاف میان اوباما و «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر اسرائیل را ببینیم. آیا فکر نمی‌کنید این موضوع نشان‌دهنده آن است که رهبران آمریکایی خود تصمیم‌گیرنده هستند؟**

نخست آنکه باور ندارم که یهودیان کنترل تمام بانک‌ها را در اختیار دارند. باور دارم یهودیان اکثر سهام نهادهای مالی بین‌المللی را در اختیار دارند. این به معنی کنترل اسرائیل بر نهادهای مالی نیست. همه یهودیان مثل هم و یکسان فکر و عمل نمی‌کنند. برخی از آنها نگرانی بیشتری در قبال اسرائیل دارند و برخی دیگر درباره بازار سرمایه‌داری نگران هستند. هر دو نیز هم‌زمان از سیاست‌ها و برنامه‌هایی حمایت می‌کنند که برای تمدن مسیحی غربی مضر و زیان‌بار هستند. اوباما خواستار تلاش آشتی‌جویانه میان تمام طرف‌های درگیر شد. «جورج بوش» سلف او، از اسرائیل و خواسته‌های آن رژیم حمایت کرد. باید گذاشت ملت‌های دیگر خودشان مشکلات‌شان را حل کنند.

**کوکلوکس کلان‌ها ادعای مبارزه مسالمت‌آمیز علیه سیاه‌پوستان را دارند در حالی که در دهه ۶۰ میلادی این گروه خشونت‌های زیادی را علیه سیاه‌پوستان اعمال کردند، از جمله بمب‌گذاری در مدارس و کلیساها. آیا فکر نمی‌کنید اقدامات‌تان سبب افزایش شکاف در درون جامعه آمریکا می‌شود؟**

نخست آنکه نام کوکلوکس‌کلان به طور گسترده‌ای در حوزه عمومی استفاده می‌شود و هرکسی می‌تواند از این نام برای سازمان‌دهی گروه خود استفاده کند. این مشکل ثابت شده که برخی با کینه‌توزی یک گروه کوچک را راه‌اندازی می‌کنند تا بتوانند با عناوین بزرگ در صدر اخبار قرار گیرند. واقعیت آن است که در دهه ۶۰ میلادی نیز دولت فدرال بود که از طریق عواملی که خود سازمان‌دهی کرده بود قصد ایجاد هرج‌ومرج در جامعه را داشت. سازمان ما هرگز در هیچ اقدام خشونت‌آمیزی نقش نداشته و اقدامات این‌چنینی را محکوم می‌کند. با وجود آنکه شمار کوچکی از جرایم علیه سیاه‌پوستان صورت گرفته این جرایم از سوی شهروندان معمولی بوده که ممکن است دارای ارتباطاتی نیز با کوکلوکس کلان‌ها بوده باشند و ازاین‌رو مورد توجه بین‌المللی قرار گرفته‌اند. اکنون هیچ کلان‌شهری را در ایالات متحده پیدا نمی‌کنید که در آن امنیت سفیدپوستان برای پیاده‌روی در شب حاکم باشد. سیاه‌پوستان در قالب گروه‌های تبهکار این امنیت را از ما گرفته‌اند. با وجود این، گروه‌های کوچکی از سیاه‌پوستان در شهرهایی با اکثریت جمعیت سفیدپوست در سرتاسر آمریکا بدون ترس و با امنیت کامل زندگی می‌کنند.

**ما در برهه‌ای مهم در ایالات متحده قرار داریم که ترکیب جمعیتی به‌سرعت در حال تغییر است. ممکن است ترامپ در این انتخابات پیروز شود؛ هنوز هم بلوک بزرگی از رأی‌دهندگان سفیدپوست و برخی از گروه‌های رنگین‌پوست وجود دارند که به او برای ایجاد یک دولت کوچک‌تر رأی خواهند داد**

تا سال ۱۹۶۵ میلادی، اکثریت جمعیت آمریکا را سفیدپوستان تشکیل می‌دادند که ۹۴ درصد از آنان مسیحی بودند. زمانی که قانون مهاجرت در آن سال تصویب شد، دولت آمریکا وعده داد ترکیب جمعیتی، تغییری نخواهد کرد. تصویب قانون مهاجرت از سوی کنگره تنها اجازه می‌داد مهاجران سفیدپوست با شخصیت اخلاقی بالا، مجاز به ورود به آمریکا باشند. سفیدپوستان اما خلاف وعده‌های داده‌شده به اقلیتی در آمریکا و اروپا تبدیل شدند. این تغییر جمعیتی و نسلی، روندی سریع داشت. اکنون سفیدپوستان به اقلیتی نژادی در جهان تبدیل شده‌اند. فکر نمی‌کنم هیچ اشکالی در این وجود داشته باشد که من بخواهم از نژاد خانواده‌ام دفاع و حفاظت کنم، همان‌گونه که من این حق را برای دیگران نیز قائل هستم.

بسیاری در آمریکا با نظر من دراین‌باره موافق هستند اما از بیان آن به طور عمومی هراس دارند. بااین‌حال، در محافل خصوصی، آنها هراس خود را دراین‌باره بیان می‌کنند.

**به نظر می‌رسد شباهت‌هایی میان کوکلوکس کلان‌ها و بنیادگرایان مسلمان وجود دارد. هر دو به دولت آمریکا و دست‌های پشت پرده رژیم اسرائیل در جنبه‌های منفی چون شیوع ویروس «اچ‌آی‌وی» یا حملات یازدهم سپتامبر اشاره می‌کنند. نظر شما دراین‌باره چیست؟**

ما دیدگاه‌های مشابهی با بنیادگرایان مسلمان نداریم. جنگ آنها علیه اسرائیل جنگ ما نیست. ما درباره مردم خود نگرانی داریم. برای من اهمیتی ندارد که چه بر سر اسرائیل می‌آید. سربازان آمریکایی تنها باید در مرزهای کشور ما به حراست از آمریکا بپردازند. من درباره رشد وضعیت پلیس جهانی دولتی نگران هستم که مافوق اقتدار قانونی کشورها قرار گرفته است. نگرانی من از بازشدن بیش از اندازه مرزهای ملی است. من نگران معاهده تجارت آزاد و شرکت‌های فعال در سطح بین‌المللی هستم که نفوذشان هر روز افزایش می‌یابد. این موضوع می‌تواند رسانه‌های متعلق به این نخبگان و شرکت‌های بزرگ را نیز شامل شود. بسیاری درباره آزادی و دموکراسی شعار سر می‌دهند اما آنها همان کسانی هستند که گروه‌های فعالی را تشکیل می‌دهند که به ایجاد بی‌نظمی و بی‌ثباتی اجتماعی منجر می‌شوند و به آلت دست‌های ناآگاهی تبدیل شده‌اند که توسط شرکت‌های جهانی، رسانه‌های بزرگ و شرکت‌های مالی بین‌المللی به حرکت درمی‌آیند.

**اما شما نیز دیدگاه‌های آخرالزمانی دارید.**

همان‌گونه که گفتم ما شباهتی با آنان نداریم. با این حال، ما احساس می‌کنیم مسیحیت هدف حمله قرار گرفته است. به طور کلی هجمه‌ای علیه تمدن مسیحی غربی و مردمان سفیدپوست در جریان است. این موضوع در صدر اولویت‌های من است. من باور دارم که ما باید از تاریخ و فرهنگمان دفاع کنیم. ما نیاز داریم اجازه دهیم فرهنگمان بدون تلاش افرادی خارج از آن بدون تغییر باقی بماند. تنها کشورهای سفید هستند که شاهد رکورد بالا و بی‌سابقه پذیرش مهاجران هستند. کشورهای با جمعیت اصلی سفیدپوست در حال تغییر هستند. این موضوع ما را از ریشه‌ها و ارزش‌های فرهنگی‌مان دور می‌کند.

**نظر و راه‌حل شما درباره منازعه اسرائیلی – فلسطینی چیست؟**

من از راه‌حل دو دولت حمایت می‌کنم. بااین‌حال، همان گونه که گفتم این موضوع نباید دغدغه و مسئله ما باشد. ما نباید این دغدغه را داشته باشیم که نخست اسرائیلی‌ها را پای میز مذاکره آوریم. من از یک جامعه بین‌المللی که در آن سعی می‌شود ملت‌ها با یکدیگر مشکلات را حل کنند، حمایت نمی‌کنم و سپس با استفاده از نیروهای ما بخواهد یک «صلح افسانه‌ای» برقرار کند. منازعه فلسطینی و اسرائیلی‌ها مشکل خود آنهاست و خودشان باید مشکلاتشان را حل کنند.

**رویکرد کوکلوکس کلان در سیاست خارجی چیست؟**

من با دکترین مونرو به عنوان بخشی اساسی از ایده مؤسسان آمریکا موافق هستم که مبنای اساسی آن روابط دوستانه با همه و خودداری از درگیرشدن یا اتحاد با دیگر کشورهاست. برای من مهم نیست که در خاورمیانه، مردمانی مسلمان یا یهودی هستند. برای من اهمیتی ندارد که در هندوستان مردمانی هندو هستند. این باور سرسختانه من است که مردم در دیگر کشورها باید خودشان برای رسیدن به اهدافشان بجنگند. بارها اتفاق افتاده که مداخلات آمریکا در بخشی از دنیا با هدف به‌ارمغان‌آوردن صلح و ثبات بوده است اما سبب شده نیروهای ما از دست بروند و گروه‌های شبه‌نظامی دیگری خلأ را پر کنند. در نتیجه، این موضوع به ایجاد خشم علیه ایالات متحده منجر شده است. این وضعیت به نفع ما نیست. این موضوع سبب می‌شود آمریکا هدف قرار گیرد. ما فرهنگ‌های متفاوت با باورها، تاریخ و مذاهب و معیارهای مختلفی داریم. در صورتی که سایر مردمان با مستبدانی مواجه هستند، باید خودشان برای رهایی و دستیابی به آزادی بجنگند. تنها در این صورت است که می‌توانند نسلی داشته باشند که به آزادی دست یابد. مداخلات ما در بلندمدت تأثیر مثبتی برای ما نخواهند داشت. نیروهای ما باید از مرزهای کشور خودمان دفاع کنند.

**نظر شما درباره اقلیت‌های مقیم آمریکا از جمله اقلیت لاتین‌تبار چیست؟**

من نفرتی از غیرسفیدپوستان ندارم. ما با سیاه‌پوستان به‌خصوص سیاه‌پوستان سالمند که در محله‌های سفیدپوست‌نشین سکونت دارند، ارتباط و زندگی مسالمت‌آمیزی داریم اما اکنون تحت محاصره لاتین‌تبارهای غیرسفیدپوست درآمده‌ایم. سفیدپوستان اسپانیایی نیز وجود دارند. اغلب لاتین‌تبارها غیرسفیدپوست هستند. آنان ارتباطی با سیاه‌پوستان ندارند. آنها از هم بیگانه‌اند همان‌گونه که می‌توان خصومت میان گروه‌های مختلف آسیایی که به اینجا می‌آیند را مشاهده کرد. زمانی که اکثریت جمعیت ما سفیدپوست بود، صلح و آرامش بیشتری در کشورمان حاکم بود.

با وجود آنکه نفرتی از غیرسفیدپوستان ندارم اما واقعیت آن است که تضادهای عقیدتی، فرهنگی و مذهبی زیادی وجود دارد. سیاست‌مداران ایالات متحده با سیاست‌های خود افرادی با فرهنگ‌های متضاد که تلنباری از هزاران سال پیش هستند را گرد آورده‌اند و می‌گویند آنان باید در یک مکان با یکدیگر زندگی کنند. تاریخ ثابت کرده این سیاست کار نمی‌کند؛ این دستور پخت یک غذای فاجعه‌بار است.

**کوکلوکس کلان‌ها به بیش از ۴۰ گروه مختلف تقسیم شده‌اند. علت این موضوع را چه می‌دانید؟ ریشه این موضوع، تفاوت‌های ایدئولوژیک است یا منازعه بر سر دستیابی به قدرت؟**

نام کوکلوکس کلان در حوزه عمومی جریان دارد. هر کسی می‌تواند یک گروه تشکیل دهد. مردمان با ایده‌های متفاوت و برخی بدون هرگونه چشم‌انداز بلندمدت برای کسب قدرت سیاسی، گروه تشکیل می‌دهند. ما نزاعی با سایرین نداریم. سازمان ما ۶۰ سال است که فعالیت می‌کند. ما قدیمی‌ترین، حرفه‌ای‌ترین و بزرگ‌ترین سازمان کوکلوکس کلان‌ها هستیم. دیگران نیز صادق هستند. ما احساس می‌کنیم برنامه‌ای بسیار عالی داریم و چشم‌انداز موفقیتمان در آینده ثابت خواهد شد.

بخش عظیمی از سفیدپوستان با برنامه‌های ما موافق هستند. بااین‌حال، ممکن است آنان به کوکلوکس کلان‌ها به عنوان یک گزینه قابل‌دوام نگاه نکنند. واقعیت آن است که سفیدپوستان به دنبال یک حزب جمع‌گرا با دیدگاه‌های عمیقا ملی‌گرایانه هستند. کوکلوکس کلان بخشی از تاریخ آمریکاست و مردم ارتباط قوی‌ای با آن دارند. برخی آن را درک می‌کنند و برخی دیگر نمی‌توانند. کوکلوکس کلان به دلیل کمک به تقویت تمدن غربی، شناخته‌شده است. مردم می‌دانند این گروه در کنار سفیدپوستان ایستاده است. در برابر تجاوز و خشونت مردممان، کوکلوکس کلان در کنار ملت ایستاده است. ما در حال ایجاد انسجام حزبی هستیم چراکه عاشق مردممان هستیم.

**آیا شما جمهوری‌خواهان را به دلیل دیدگاه‌های محافظه‌کارانه و مذهبی‌تر اعضایشان به دموکرات‌ها ترجیح می‌دهید؟**

نقاطی در هر دو حزب وجود دارند که می‌توانند مورد توافق و اختلاف ما باشند. بااین‌حال، موضوع آن است که بسیاری از مسائل از جمله آزادی حمل اسلحه، آزادی مذهبی برای مسیحیان، دولت کوچک‌تر، ارزش‌های سنتی مسیحی، مسائل و مواردی هستند که ما با جمهوری‌خواهان بر سر آنها دارای نقطه اشتراک هستیم.

**درحال‌حاضر «برنی سندرز» نامزد سوسیالیست در مبارزات انتخاباتی موفق به کسب محبوبیت قابل‌توجهی به خصوص میان جوانان شده است. آیا این خبر بدی برای کوکلوکس کلان‌ها نیست؟**

ما نه به جناح راست و چپ تعلق داریم و نه به محافظه‌کاران یا لیبرال‌ها. ما مخالف ظهور شرکت‌های جهانی و کسب‌وکار بزرگ و بیش از اندازه آنان و همچنین قدرت بی‌چون‌وچرای وال‌استریت هستیم، همان‌گونه که بسیاری از جوانان سفیدپوست آمریکایی به این دلیل از او حمایت می‌کنند. ما از کنترل محلی بر مدارس و پلیس حمایت می‌کنیم. اینها مسائلی هستند که بسیاری از محافظه‌کاران درباره آنها نگران هستند. برخی از لیبرال‌های سفیدپوست درباره جنبه‌های منفی آلودگی محیط زیست و افزایش مهاجران نگرانی دارند. برخی از محافظه‌کاران سفیدپوست نیز درباره این موضوع نگران هستند که مهاجران جای جمعیت سفیدپوست را بگیرند. اینها تنها چند نمونه هستند که نشان می‌دهند ما چگونه می‌توانیم حمایت‌ها را از هر دو طرف به دلیل نگرانی‌های مختلف خود جذب کنیم. این دیدگاه به‌ظاهر متفاوت می‌تواند ما را درباره بسیاری از مسائل مشترک متحد کند. در آینده زمانی که عواقب و آثار تغییر نژادی در آمریکا آشکارتر شود، نفوذ ما نیز افزایش خواهد یافت و نامزدها نمی‌توانند بگویند که نماینده یک گروه نژادی خاص نیستند.

یادداشت

## اوراق پاناما و دنیای محرمانگی

آزاده طاهری*

افشای اسناد محرمانه این‌بار در چارچوب اسنادی موسوم به «اوراق پاناما»، بار دیگر سیاست‌مداران جهان را به دردسر انداخته است. برخی مانند نخست‌وزیر ایسلند، در واکنش به این رسوایی از مقام خود کناره‌گیری کرده‌اند، برخی مانند رئیس‌جمهوری آرژانتین وعده دادند که بی‌گناهی خود را اثبات کنند و برخی دیگر مانند رهبران چین و روسیه اصالت و انگیزه احتمالی افشای این اسناد را زیر سؤال برده‌اند. این افشاگری که به عقیده بسیاری، بزرگ‌ترین افشاگری اسناد محرمانه جهان است، در حالی در کانون توجه قرار می‌گیرد که پیش از این نیز افشای اسناد محرمانه دولت آمریکا توسط «ویکی‌لیکس» یا افشای برنامه جاسوسی گسترده آژانس امنیت ملی این کشور (ان‌اس‌ای) توسط «ادوارد اسنودن» بسیار جنجال‌آفرین شده بود. در سال ۲۰۱۰ زمانی که ویکی‌لیکس ده‌هاهزار سند محرمانه مربوط به جنگ در افغانستان و عراق را منتشر کرد، برخی گمان کردند انقلابی در زمینه شناختن ساختارها و روابط پشت پرده روی خواهد داد؛ ظنی که پس از آن با افشای ده‌هاهزار سند دیگر از اسناد وزارت خارجه آمریکا تقویت شد.

اگرچه این افشاگری منجر به زندانی‌شدن «بردلی منینگ» و پناهنده‌شدن «جولین آسانژ» به سفارت اکوادور در لندن شد و برخی از مقامات دولتی را وادار به ادای توضیحاتی درباره حقایق موجود در اسناد ویکی‌لیکس کرد اما از انقلاب در دنیای محرمانه خبری نبود. اسنادی که توسط اسنودن در اختیار رسانه‌ها قرار گرفت اما پایان سریال افشاگری‌های این‌چنینی نبود و این‌بار نوبت «موساک فونسکا» بود که لورفتن اسناد محرمانه‌اش خبرساز شود؛ اسنادی که این‌بار افشا شده است به فعالیت‌های مالی غیرقانونی و فرار مالیاتی مربوط می‌شود و افشای آن بار دیگر بر نگرانی‌های جدی از بهشت‌های مالیاتی و شرکت‌های صوری صحه گذاشت. صرف‌نظر از تبعات انتشار اسناد پاناما در عرصه سیاسی و شاید مالی، این افشاگری‌ها نشان می‌دهد دنیای محرمانگی (Secrecy) تا چه میزان می‌تواند گسترده و خارج از کنترل باشد. برای بسیاری انقلاب دیجیتال و عصر اطلاعات، نویدبخش افزایش شفافیت در تمامی عرصه‌ها بوده است. گسترش شبکه‌های اجتماعی و کاربران اینترنت در سراسر جهان، زمینه انتقال گسترده و سریع اطلاعات را فراهم و کنترل انتقال داده‌ها را دشوارتر کرده است. بااین‌حال آیا ما واقعا در دنیای شفاف‌تری زندگی می‌کنیم؟ آیا اطلاعات بیشتری درباره دنیای محرمانگی داریم؟ و آیا دنیای پررمزوراز محرمانگی اکنون بیش از قبل تحت کنترل قرار گرفته است؟ افشای اسنادی مانند اسناد ویکی‌لیکس یا پاناما اگرچه خبر خوبی است اما هم‌زمان نشان می‌دهد آنچه ما می‌بینیم و درباره آن آگاهی داریم، تنها قله کوه یخی است که از آب بیرون زده است. در زیر آب، دنیای عمیق و تاریکی از اطلاعات محرمانه وجود دارد که از چشم ما پنهان شده است. دنیای دیجیتال اگرچه به افزایش انتقال اطلاعات کمک کرده است اما هم‌زمان زمینه افزایش نظارت و مخفی‌کاری به‌نفع کانون‌های قدرت را نیز فراهم کرده است. به نظر می‌رسد دنیای پشت‌پرده از کنترل خارج و به هیولایی تبدیل شده است که ما را زیر ذره‌بین نظارت قرار می‌دهد یا سازوکارهای مالی و اطلاعاتی را به‌نفع صاحبان قدرت پنهان می‌کند.

این مسئله بیش‌ازپیش اهمیت شفافیت در حوزه‌های مختلف را آشکار می‌کند. افشاگری‌هایی مانند اسناد ویکی‌لیکس، اسنودن یا پاناما می‌تواند بهانه‌ای برای تمرکز بر اتخاذ راهکارهایی به منظور افزایش شفافیت باشد. این‌گونه شاید بتوان امیدوار بود درحالی‌که دنیای محرمانگی بیش‌ازپیش قدرت می‌گیرد، ما نیز بیش‌ازپیش در برابر آن مجهز شویم.

**کارشناس مسائل اروپا**

نگاه

## ترامپ و ساختن آمریکای سفیدپوستی دیگر

کلی جی. بیکر

ادبیات ترامپ ترسناک است؛ شبیه به ادبیاتی که کوکلوکس‌کلان‌ها در دهه ۲۰ میلادی به کار می‌بردند؛ گفتمانی به‌غایت ملی‌گرایانه و ضدمهاجران. به‌تازگی «دیوید دوک»، رهبر پیشین «کوکلوکس کلان»، از «دونالد ترامپ» و نامزدی او حمایت کرد. به‌عنوان یک مورخ باید ذکر کنم آنچه امروز با شعار ترامپ مبنی بر ایجاد دوباره یک آمریکای بزرگ مطرح می‌شود، دقیقا مشابه شعار کوکلوکس کلان‌ها در دهه ۲۰ میلادی است که تأکیدشان بر یک میهن‌پرستی افراطی و بدخیم و حمایت از اعمال محدودیت بر مهاجرت بود.

در سال ۱۹۱۵ میلادی «ویلیام جی سیمونز»، یکی از وزیران سابق و یکی از اعضای خودخوانده، جمعیت فراماسونری کوکلوکس‌کلان تازه‌ای را تشکیل داد که شعارش تعلق صددرصدی به آمریکایی‌ها و پروتستان‌های سفیدپوست بود. او قصد احیای کلان‌ها در فاصله ۱۸۷۱-۱۸۶۶ میلادی را داشت، منتها در پوششی همراه با فضیلت‌گرایی مسیحی و حس غرور میهن‌پرستانه. شعار او تلاش برای نجات یک ملت در خطر بود که از آن به‌عنوان ابزاری برای برقراری سلطه فرهنگی سفیدپوستان استفاده می‌کرد. مهاجرت و ورود بیشتر آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار به نظر کوکلوکس کلان‌ها، زوال تسلط آمریکایی‌های اصیل و اولیه بود. از دید اعضای این گروه آمریکا دیگر مانند گذشته بزرگ نبود. سیمونز و افراد پس از او خواستار بازگشت آمریکا به افتخار و شکوه سابق خود بودند. پیام آنان برای نژاد سفیدپوست، مسیحیت پروتستان و ملی‌گرایی افراطی بود تا مخاطبان بیشتری را پیدا کنند. در سال ۱۹۲۴ میلادی، کوکلوکس کلان‌ها مدعی شدند چهارمیلیون عضو دارد؛ آنان شمشیر در دست با لباس‌های سفید و پوشیده آتش روشن کرده و روزنامه‌هایشان را منتشر و در مبارزات سیاسی در سطوح محلی و ملی شرکت می‌کردند. کوکلوکس‌کلان‌ها هدف خود را حفاظت از آمریکا اعلام کرد و در این راستا تمرکز خود را روی چندین برنامه قرار داد: اجرای قانون، وفاداری بیشتر به پرچم، اعمال محدودیت بر پذیرش مهاجران، ایجاد گروه‌های شبه‌نظامی پروتستان، دولت بهتر و سیاست پاک که زیر صلیب آتشین بیان می‌شدند. تأکید بر دولت، ملی‌گرایی نظم بود که درنهایت برتری نژاد سفیدپوست را تضمین می‌کرد. درواقع، کوکلوکس کلان واکنشی به بحران درباره مرزهای نژادی و تغییری در جمعیت بود. اعضای آن گروه کسانی بودند که به دلیل درک سنتی از گروه مسلط بر جامعه یعنی سفیدپوستان، با تغییرات ایجادشده، دچار سردرگمی شده بودند. از نظر کوکلوکس‌کلان‌ها، قرار بود تا آمریکا فقط به سفیدپوستان و پروتستان‌ها تعلق داشته باشد، در حالی که در عمل غیر از این شد.

اما آنان با بحرانی جدی مواجه شدند، چراکه فرهنگ اطراف‌شان در حال تغییر بود و بومی‌گرایی واکنش آنان به این تغییر بود. تغییرات جمعیتی ازجمله مهاجرت، شهری‌شدن و مهاجرت آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار از جنوب به شمال مشروعیت و هراسی فوری به کلان‌ها می‌داد. آنان بر این باور بودند که ملت آمریکا در معرض خطر است. در فاصله سال‌های ۱۸۹۰ تا ۱۹۱۴ میلادی بیش از ۱۶میلیون مهاجر به آمریکا آمدند که بخش اعظم آنان کاتولیک‌های آمده از آلمان، ایرلند، ایتالیا و لهستان بودند. حدود ۱۰ درصد از آنان را نیز یهودیان تشکیل می‌دادند. کلان‌ها جریان مهاجران را به‌عنوان یک تهدید برای آمریکای خالص و درست قلمداد می‌کردند. آنان این موضوع را خطری برای ملت، دولت و مهم‌تر از همه تمدن آمریکایی می‌دانستند. کوکلوکس کلان‌ها در سال ۱۹۲۳ میلادی در روزنامه سازمانی خود مهاجران را تفاله خواندند و از آنان به‌عنوان گروه خطرناک مغول یاد کردند.

جای تعجبی ندارد که در دهه ۲۰ میلادی کلان‌ها از قانونی‌شدن طرح محدودیت مهاجرت استقبال کردند؛ طرحی که فقط ورود مهاجرانی از کشورهای با ریشه‌های آنگلوساکسون یا اسکاندیناوی را به مهاجرانی از دیگر نقاط جهان ارجحیت می‌داد. قانون تازه مهاجرت به قانون اقدام ۱۹۲۴، اعطای روادید مهاجر را به دو تا سه درصد جمعیت هر ملیت مورد سرشماری از سال ۱۸۹۰ میلادی محدود می‌کرد. زمانی که «کالوین کولیج» رئیس‌جمهوری وقت آمریکا، این طرح را به قانون تبدیل کرد کلان‌ها ادامه حفاظت از «خلوص» شهروندی آمریکایی را جشن گرفتند. شهروندان پروتستان سفیدپوست مایل به حفظ سلطه فرهنگی و سیاسی خود و درنتیجه تعریف‌شان از صددرصد آمریکایی‌بودن بودند.

آن زمان اوج تظاهرات و فعالیت کوکلوکس کلان‌ها بود. کلان‌ها مخالف هر مهاجری بودند؛ مخالف هر «خارجی»ای که در خاک آمریکا سکنی گزیده بود. از نظر آنان کاتولیک‌ها، یهودیان و آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار همگی تهدیدی علیه ملت آمریکا و خلوص نژادی آن بودند.

پس از مدتی رسوایی‌های رهبران کلان‌ها شهرت آنان را لکه‌دار کرد. ساخت آمریکای بزرگ مدنظر آنان با طرد و تحمل‌نکردن دیگری همراه بود. اکنون نیز آنان مانند دهه ۲۰ میلادی از لزوم آمریکایی صددرصدی و مهاجرت محدودشده می‌گویند و پیام‌هایشان هر زمان که آمریکایی‌های سفیدپوست با تغییرات اجتماعی و جمعیتی مواجه می‌شوند، مطرح شده است. پیام آنان امروز نیز این است که با رئیس‌جمهوری سیاه‌پوست، حقوق همجنس‌گرایان، حقوق اسپانیایی تبارها و اکثریت آمریکایی‌ها به اقلیت تبدیل می‌شوند. به همین دلیل است که مشخص می‌شود چرا رهبر کوکلوکس کلان‌ها سایر نژادپرستان سفیدپوست را به رأی‌دادن به ترامپ ترغیب می‌کند.

**منبع: نشریه آتلانتیک**